

در برنامه پنجم به همین دلیل صورت گرفت تا زیرساخت‌های لازم را برای تحقق بهره‌وری فراهم کند. لذا باید گفت هر آن چه جای کار و تلاش را بگیرد، مناسبات درونی جامعه را مخدوش می‌کند، روابط اجتماعی را مورد آسیب قرار می‌دهد، به کسب و کار در آن جامعه ضربه می‌زند، بخش خصوصی را تضعیف می‌کند، رابطه دولت و ملت را به چالش می‌کشد و انتظارات جامعه را به صورتی افسارگسیخته بالا می‌برد. لذا باید اهداف کشور با اتکا به جریان کسب و کار محقق شوند تا در این شرایط، کسب و کار و رفع بیکاری، برای دولت یک هدف استراتژیک تلقی گردد. همه دولت‌ها خواهان حل معضل بیکاری بوده‌اند، اما در بهترین شرایط بیکاری برای دولت‌های ما یک هدف اجتماعی بوده و نه یک هدف راهبردی. لذا تا زمانی که نیاز دولت به کار جامعه بیش از نیاز فرد به کار خودش نباشد، حل بیکاری غیرممکن خواهد بود. در این شرایط باید اتکای خود را تا حد ممکن از نفت به سمت جریان کسب و کار منتقل کنیم. در شرایط کنونی که بحث هدفمندی پارانه‌ها مطرح است، توفیق اجرای طرح، منوط به فاصله گرفتن از درآمدهای نفتی است. اگر در این امر توفیق حاصل شود، موفقیت این طرح تضمین خواهد شد. ■

## آفته قفقاز

## جنگ خاموش

از نگاه دکتر میرقاسم مؤمنی، رییس انجمن دوستی ایران و برزیل، در روابط آمریکا-روسیه، "جنگ خاموش" جایگزین "جنگ سرد" شده است.



روسیه در قفقاز استفاده می‌کند. اگر به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم نظر بی‌افکنیم مشخص می‌شود که آمریکاییان جهت تحت تأثیر قرار دادن کشورهای هم‌پیمان با روسیه، سعی داشتند مدل‌های پیشرفته‌ای در مقابل کشورهای بلوک شوروی ایجاد نمایند. ایجاد آلمان غربی پیشرفته در مقابل آلمان شرقی عقب مانده، کره جنوبی پیشرفته در مقابل کره شمالی عقب مانده و یا ژاپن پیشرفته در جنوب شرق آسیا، همه اینها بخشی از سناریوی جنگ روانی آمریکا علیه شوروی بود.

## جنگ ابرقدرت‌ها

در حال حاضر، آمریکا و اروپا از همین تجربه جهت تحت تأثیر قرار دادن جمهوری‌های قفقاز جنوبی و ارمنستان استفاده می‌کنند. اروپایی‌ها سعی دارند با ایجاد بسترها و ساختارهای مدرن و پیشرفته در گرجستان، توجه جمهوری‌های پیرامون روسیه را به خود جلب کنند و در واقع، گرجستان به‌عنوان ویتربین شعارها و وعده‌های غرب در قفقاز فعالیت خواهد کرد. به همین جهت، روسیه سعی دارد که از هر طریقی زمینه شکست این جنگ را تحقق بخشد. اما واقعیت این است که آمریکاییان یک برنامه و سناریوی از پیش طراحی شده برای روسیه فعلی که علیرغم فروپاشی شوروی، تهدیدنی بالقوه علیه جهان غرب می‌باشد دارند که نتیجه آن مهار روسیه است. به همین جهت یک جنگ خاموش و نرم همچون جنگ سرد دهه ۷۰ بین دو ابرقدرت به راه انداختند و به نظر می‌رسد در این نبرد تنگاتنگ، روسیه شانس کمتری برای برد داشته باشد، چون اروپاییان و آمریکاییان از ضعف سال‌های بعد از فروپاشی، جهت محاصره روسیه و تضعیف آن کشور کمال استفاده را برده‌اند. ■

که چنین اصلی در کشور ما برقرار نیست، چگونه می‌توان انتظار افزایش بهره‌وری را داشت؟ نیروی کار در بخش دولتی "روزمزد" است، نه "کارمزد". یعنی به جای آن که در برابر کار معینی دستمزد دریافت کند، در ازای وقتی که صرف می‌کند درآمد کسب می‌نماید. بنابراین لازم است تا مسایل دیگری را در این زمینه مرور کرد.

دو الگو را می‌توان برای بررسی بهره‌وری در اقتصاد ایران بیان کرد؛ یک الگو به منابعی باز می‌گردد که حاصل از جریان کسب و کار جامعه است و الگوی دیگر، اتکای مردم به دولت و اتکای دولت به منابع ثابتی است که ناشی از کسب و کار نیستند. در حالت دوم، امکان ندارد بهره‌وری شکل گیرد، چرا که در این حالت، نیروی انسانی به شکلی غیرکارا مورد استفاده قرار می‌گیرد. در چنین حالتی، روابط مبتنی بر همکاری بین نیروی کار، نوعی بر رقابت در کسب سهم بیشتر از منابعی که خود اشخاص در ایجاد آن نقشی نداشته‌اند تبدیل می‌شود. همین امر باعث شده تا بنگاه‌ها به دنبال کسب سود مستقل از کیفیت باشند و هر بنگاه، حیات خود را متأثر از اتصال به این منابع ببیند. در این شرایط، جریان بهره‌وری پیش نخواهد آمد و در نتیجه برای اصلاح این وضع، باید جریان اهداف اقتصادی را به چرخه بهره‌وری منتقل کنیم. ایجاد صندوق توسعه ملی

فروپاشی دیوار برلین جنگ سرد را به فراموشی سپرد. ولی روابط روسیه-آمریکا در کجا قرار دارد؟ قفقاز آفته قابل تأمل ارایه می‌کند. انقلاب نازنجی در گرجستان، اگرچه نظام سیاسی و بنیادی گرجستان را دچار تغییر و تحول نمود و موجب تیرگی روابط با روسیه گردید، اما دستاوردهایی را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اداری به دنبال داشت. گرجستان به عنوان یکی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی ۷۰ سال در قالب نظام کمونیستی و بوروکراسی اداره می‌شد و بعد از فروپاشی نیز شورانزاه، از رهبران شوروی سابق، اداره این کشور را به دست گرفت و کماکان همچون دوران شوروی اداره این کشور ادامه یافت. با روی کار آمدن جوان تحصیلکرده آمریکایی به‌نام یوشچنکو که در یک انتخابات انقلابی، رقیب با سابقه خود را از صحنه سیاسی گرجستان کنار زده بود، تغییر و تحولات در این منطقه آغاز شد. بحث سلسله انقلاب‌های زنگی در کشورهای CIS زنگ خطری بود برای سران کرملین. چرا که اگر این روند ادامه می‌یافت، احتمال فروپاشی روسیه فدراتیو با حمایت غرب متصور بود. به همین جهت مقامات روس از بدو فعالیت سران انقلاب نازنجی در گرجستان در صدد تضعیف این کشور برآمدند. روس‌ها بعد از سال‌ها استقرار نیروهای نظامی خود در گرجستان، مجبور به تخلیه این کشور شدند و موقعیت روسیه در این کشور تضعیف گردید.

از همه مهمتر این که پیشنهاد عضویت گرجستان در پیمان نظامی ناتو از سوی سران غرب و آمریکا مطرح گردید که همه این عوامل، روسیه را در وضعیتی خاص قرار داد. شعارهایی که از تفلیس سر داده می‌شد با سیاست‌های کرملین منافات داشت. به همین جهت روسیه با استفاده از نفوذ سنتی خود در مراکز مرزی این کشور، سعی کرد یک دیوار هایل بین خود و گرجستان ایجاد نماید که نتیجه آن جنگ آبخازیا و اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸ و اعلام جدایی از گرجستان با حمایت روس‌ها بود. این امر روابط دو کشور را به چالش کشاند. در حال حاضر با حمایت اتحادیه اروپا و آمریکا، سیستم روس‌زدایی در گرجستان شروع شده است. طبق این سیاست، آمریکاییان و اروپاییان با استقرار نیروهای نظامی خود، اقدام به تغییر و تحول نظام سیاسی، اقتصادی و صنعتی این کشور نموده‌اند. اروپاییان از یک تجربه تاریخی جهت به زانو در آوردن